

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: آشنایی با زیست عقیفانه

درس دوم - قسمت اول: عوامل موثر بیرونی عفت ورزی (مدیریت محرک‌های بیرونی)

برای اینکه آن مهارت و قدرت و به تعبیر متون اخلاقی ما ملکه عفت در انسان شکل بگیرد، یک بخش بسیار بسیار مهمش متأثر از عوامل درونی و شخصیتی انسان یا عوامل تربیتی انسان است. بهترین جایی که می‌تواند این اتفاق را برای انسان رقم بزند خانواده و فرآیند تربیت خانوادگی از دوران کودکی، خردسالی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی است. خانواده‌ها ضمن اینکه شرایط این قدرت خویشتن‌داری را در فرزندان فراهم می‌کنند، حتماً باید خودشان الگوهای خوبی برای بچه‌هایشان باشند. اشاره شد به اینکه اگر ما فکر کنیم به عنوان پدر مادرهای خوب بچه‌هایمان هرچه می‌خواهند بلافاصله برای آنها تامین کنیم در واقع ما در حال تربیت یک فرزند خوشبخت نیستیم، بلکه در حال تربیت یک فرزند ضعیف هستیم که حتماً در طول زندگی در مواجهه با فراز و فرودهای زندگی اتفاقاً بیش از بچه‌های دیگر احساس ناکامی و ناخرسندی خواهد داشت و به جای اینکه فرزندی با احساس رضایت و خوشبختی تربیت کنیم فرزندی تربیت می‌کنیم که در زندگی واقعی و عینی و در بزرگسالی که دیگر ممکن است ما در کنارش نباشیم یا ما قدرت تامین نیازهایش نداشته باشیم دائماً در حال مواجهه با احساس نارضایتی و ناکامی است. یکی از دلایل افزایش آمار طلاق در خانواده‌های ما به ویژه زن و شوهرهای جوان، همین چیزی است که ما تا الان در موردش صحبت کردیم. صرف نظر از آن بحث‌های عوامل و بحث‌های مربوط به مثلاً مناسبات خانوادگی خود اینکه بچه‌های ما به گونه‌ای تربیت شدند که هر وقت هرچه خواستند شده، حرف، حرف آنها بوده کسی در مقابل آنها حد و حدودی قرار نداده، حالا دو جوانی که همین‌طوری در زندگی خانوادگی تربیت شدند در کنار هم قرار می‌گیرند و دو نفر با مطالبه مشابه از هم و به تعبیر اجتماعی دچار تعارض منافع می‌شوند و فرد احساس می‌کند همزیستی با همسرش (زن یا مرد فرق نمی‌کند)

به جای اینکه برای او کامیابی ایجاد کند، دائماً سد راه کامیابی و سد راه رضایت اوست، یعنی این تا الان عادت داشته هر کاری می‌خواهد، انجام دهد حالا یک نفری هست که وجودش آزادی او را محدود کرده تا الان هرچه مطالبه کرده، دریافت کرده اما حالا در مقابل کسی زندگی می‌کند او هم مطالبات متقابلی دارد. تا حالا خودش را پایبند به تعهد به کسی ندانسته اما الان ناگزیر است در مقابل کسی متعهد باشد. بخش قابل توجهی از طلاق‌ها در زندگی‌های کمتر از ۵ سال و حتی در زندگی‌های کمتر از دو سال شکل می‌گیرد. یکی از دلایل مهمش این است که ما فرزندان تربیت نمی‌کنیم که قدرت خویشن‌داری و مدیریت تمایلات داشته باشند و وقتی در مقابل هم قرار می‌گیرند این تعارض منافع و تعارض خواسته و تعارض مطالبات در واقع آنها را به جایی می‌رساند که می‌بینند اگر از هم جدا بشوند زندگی آرام‌تر و رضایت بخش‌تری خواهند داشت. البته انتخاب غلط و نگاه غلطی به زندگی است ولی نگاهی است که ما پدر مادرها به نوعی در آنها ایجاد کرده‌ایم. بنابراین حتماً تربیت بچه‌ها و فرآیند تربیت بچه‌ها به نحوی که بیاموزند ما نمی‌توانیم از حد و مرزها غفلت کنیم ما نمی‌توانیم هرچیز را هر وقت به هر شکلی بخواهیم و به آن برسیم. ما نمی‌توانیم دنبال تامین نامحدود مطالبات و میل‌ها و خواسته‌هایمان باشیم. اگر بچه‌هایمان را با این مهارت تربیت کردیم و آنها قدرت مواجهه منطقی با خواسته‌هایشان را داشتند، یک زیست عقیفانه به معنای وسیع شکل می‌گیرد. یک نکته مهم این است که ما خودمان الگوهای عملی مناسبی برای بچه‌هایمان باشیم. بچه‌هایی که می‌بینند پدر و مادر با همدیگر انعطاف ناپذیر زندگی می‌کنند یا در ارتباط با همسایگان با محیط شغلی با خویشاوندان غیر منعطف زندگی می‌کنند، بچه‌هایی که پدر و مادری می‌بینند که دنبال تامین بی حد و مرز خواسته‌هایشان هستند حالا یک خواسته می‌تواند شغلی باشد ثروت باشد موقعیت مالی باشد مناسبات اجتماعی باشد آن وقت این بچه‌ها الگوهای خوبی برای زندگی خویشن‌دارانه نخواهند داشت و زیست عقیفانه به معنای عامش و طبعاً در معنای خاصش برای آنها شکل نمی‌گیرد. اینها همه در مورد عوامل درونی و عوامل شخصیتی یا عوامل تربیتی بود.

با یک سوال بحث را ادامه می‌دهیم. اگر قرار باشد ما با محرک‌های (به معنای عامش) بیرونی متنوع سر و کار داشته باشیم، چه میزان تلاش‌های درونی ما برای خویشتن‌داری می‌تواند همراه با توفیق باشد؟ شما تصور کنید پدر مادر فرزند را به یک مثلاً محیط بازی و شهربازی ببرند و به او بگویند تو اجازه نداری با این وسایل بازی کنی برای بچه چه حالتی ایجاد می‌شود؟ آیا او تقویت می‌شود یا سرخورده می‌شود؟ آیا تقویت می‌شود یا یک خشم درونی در او ذره ذره شکل می‌گیرد؟ وقتی غذاهای متنوع، انواع شیرینی‌ها و شکلات‌ها و خوراکی‌های مضر و غیر مضر در یخچال خانه، میز پذیرایی وجود داشته باشد و بعد به بچه‌مان بگوییم من اجازه نمی‌دهم شما از این خوراکی‌ها استفاده کنی، از این شکلات‌ها بخوری، از این تنقلات استفاده کنی، چه اتفاقی می‌افتد؟ شما در همچین فضایی بچه را دچار نوعی سرخوردگی کردی یا فشاری را به او تحمیل کردی که مثل یک فنری که تحت فشار است بالاخره یک جایی این فنر رها می‌شود. بعد شما شاهد این هستی که تا پدر مادر حواسشان نیست بچه پنهانی یواشکی رفته سراغ مثلاً جعبه شکلات‌ها مثلاً ۱۵ تا شکلات خورده، چون شما ضمن اینکه آن بچه را تحت فشار گذاشتی به شکل مناسبی محرک‌های بیرونی را مدیریت نکردید. مثال دیگر، افرادی که دائماً معاشرت‌های سرشار تجمل و زیاده خواهی و چشم و هم چشمی دارند اینها هرچقدر هم بخواهند خودشان را در واقع کنترل و مدیریت کنند این خود مدیریتی با یک فشار روانی همراه است که بالاخره یا باعث شکست آن خویشتن‌داری می‌شود یا فشارها و سرخوردگی‌ها و افسردگی‌های داخلی را در ما ایجاد می‌کند. بنابراین به ما توصیه کردند در انتخاب معاشرینتان دقت کنید. قرار نیست من با هر کسی معاشرت کنم بعد تلاش کنم مثل آن نباشم. البته که من باید تلاش کنم بتوانم خودم را در مواجهه با محیط، خویشتن دارانه مدیریت کنم ولی حقیقت این است که بالاخره انتخاب محرک‌های بیرونی هم حتماً باید به نحو درستی با آن اهداف و ارزش‌های مورد نظر من هم‌خوانی داشته باشد. برای همین هم هست ما می‌گوییم بچه‌مان را به هر مدرسه‌ای نفرستیم، برای همین هم هست می‌گوییم بچه‌مان هر فیلمی نبیند، به همین دلیل هم هست که توصیه می‌کنیم نوجوانان ما در هر شبکه از فضای مجازی نباشند. برای همین هم

هست که ما در انتخاب معاشرینمان مناسبات اجتماعیمان محل زندگیمان محیط کارمان مراقبت می‌کنیم. همه ما با واژه هجرت آشنا هستیم. هجرت لزوماً تغییر محیط جغرافیای زندگی نیست. گاهی من اگر احساس می‌کنم محیط کارم محیط مناسبی نیست و این محیط نامناسب روی اخلاق من روحیه من عبودیت من عبادت من اثر منفی می‌گذارد، محیط کارم را تغییر می‌دهم، این یعنی هجرت و در واقع تامین کننده و تضمین کننده توفیق من در توسعه آن خویشن داری می‌باشد. بنابراین اینکه ما فکر کنیم عوامل بیرونی را به حال خودش رها کنیم و فقط آدم‌ها روی خویشن داری درونی کار کنند، این را حتماً جواب نمی‌دهد و حتماً یک جایی با شکست مواجه می‌شود. ما حتماً باید عوامل درونی را تقویت کنیم ضمناً مراقبت کنیم که شرایط بیرونی هم برای زیست عقیفانه فراهم شود. اگر قرار باشد مثلاً رسانه‌های ما دائماً زندگی تجملی را تبلیغ کند، در تمام فیلم‌ها و سریال‌ها زندگی‌های پر از تجمل و رفاه بی حد و مرز خودآگاه و ناخودآگاه مستقیم و غیر مستقیم ترویج بشود، آگهی‌های بازرگانی مردم را به مصرف بیشتر و مصرف زدگی بیشتر جلب کنند و دعوت کنند، آن وقت ما انتظار داشته باشیم که مردم خودشان تقوا داشته باشند، امکان پذیر نیست. این تعبیر را حتماً شنیدید گفته می‌شود محیط را سالم کنید، می‌گویند افراد نگاه نکنند. البته که نگاه نکردن یک وظیفه مهم است، البته که گوش ندادن به صوت گناه، نگاه نکردن به تصویر گناه، همراهی نکردن با زمینه‌های گناه آلود غیر عقیفانه وظیفه هر فردی است، ولی پالایش محیط بیرونی و سازماندهی محرک‌های بیرونی و محدودسازی فرآیندهای اثرگذار بیرونی هم مهم است و بنابراین یکی از وظایف ما به عنوان خانواده این است که محیط بیرونی زیست بچه‌هایمان را هم مدیریت کنیم. مثل اینکه مدرسه مناسب برای آنها انتخاب کنیم. آنها را در هر جایی در هر مهمانی نبریم در هر موقعیتی نرویم. معاشرینمان را متناسب با ارزش‌های زندگی خودمان انتخاب کنیم. در مورد خودمان هم همینطور. در مجلس گناه نرفتن دقیقاً نگاهش همین است. وقتی ما دستور داریم به اینکه در مجلس گناه شرکت نکنیم. وقتی ما دستور داریم به اینکه با ایجاد زمینه‌های لغزش و فساد در محیط عمومی به نوعی مقابله کنیم، ناظر به همین هست که اگر ما عوامل بیرونی را مدیریت

نکنیم زیست عقیفانه یا شکل نمی‌گیرد یا به سختی شکل می‌گیرد و یا هزینه‌های شکل‌گیریش افزایش پیدا می‌کند و افزایش هزینه‌ها به معنی این هست که ممکن است استمرار قابل قبولی اتفاق نیفتد. وقتی شما دائماً در حال جنگ با خودتان هستید آن وقت در یک موقعیت‌هایی در واقع نمی‌توانید آن خویشتن‌داری کافی و لازم را داشته باشید.

سناد امر به معروف و نهی از منکر